

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم
شماره دوم (پیاپی ۱۸)، تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۷-۹۲

شاهنشاهی هخامنشی و تجارتخانه اگیبی

علی اصغر میرزایی *

چکیده

اسناد و الواح به دست آمده از شهرهای میان رودان، از وجود تجارتخانه‌های بزرگی آگاهی می‌دهند که به انواع فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اشتغال داشتند. تجارتخانه‌هایی که بایگانی آنها، پرتو تازه‌ای بر چیرگی پارسیان بر میان رودان، واگذاری زمین‌ها به پارسیان، ایجاد تیول‌های نظامی یا زمین‌های خدمت، همکاری میان بنگاه‌های اقتصادی بابل و پارسیان، دریافت انواع گوناگون مالیات‌ها و غیره می‌اندازند. تجارتخانه اگیبی، مهمترین تجارتخانه‌ای است که از زمان پادشاهی بابلی نو تا پایان پادشاهی داریوش بزرگ، نقشی فعال در اقتصاد منطقه بر عهده داشت. سازمان مالیاتی هخامنشی، اجاره‌داری زمین‌ها، پرداخت انواع گوناگون مالیات‌ها و تجارت، مهمترین عرصه‌هایی بودند که اگیبی‌ها در آنها فعالیت داشتند. مسأله اصلی این نوشتار، بررسی نقش خانواده اگیبی در سازمان مالیاتی و اقتصاد هخامنشیان است.

واژه‌های کلیدی

پادشاهی هخامنشی، داریوش، تجارتخانه اگیبی، مالیات، اقتصاد

* استادیار تاریخ دانشگاه اراک a-mirzaei@araku.ac.ir

مقدمه

امپراتوری، به ویژه در پارس، همدان، ایلام و بابل، از پایان سده هفتم پ.م تا پایان سده ششم پ.م به امور بازرگانی اشتغال داشتند. آنها همکاری تنگاتنگی با شاهان هخامنشی و بزرگان پارسی در فعالیت‌های اقتصادی داشتند. تبارشناسی خانواده اگیبی، بررسی تعامل و همکاری آنها با شاهان پارسی و نقش این خانواده در سازمان مالیاتی و اقتصاد پادشاهی هخامنشی، از جمله مولفه‌هایی هستند که در این نوشتار به آنها پرداخته خواهد شد.

تبارشناسی خانواده اگیبی

خانواده اگیبی، خانواده‌ای شناخته شده در میانرودان، از پایان سده ۸ پ.م به بعد بود. بایگانی‌های به دست آمده از اوروک و بابل، وجود دو یا سه شاخه^۱ را در اوروک و بابل که یکی از آنها خانواده اگیبی بوده، گواهی می‌دهند؛ یک شاخه در جنوب، در شهر اوروک و پیرامون آن، با بایگانی‌ای شامل چند صد لوح که فعالیت‌های حقوقی و اقتصادی سه نسل را در یک دوره ۶۵ ساله (۵۵۵-۴۹۰ پ.م) گزارش می‌دهد. شاخه دیگر، در شمال و بیشتر در بابل و پیرامون آن، با بایگانی شامل سه تا چهار هزار لوح که یک دوره ۱۲۰ ساله را از سال ۶۰۶ تا ۴۸۲ پ.م پوشش می‌دهد.^۲ این اسناد به یکی از برجسته‌ترین شاخه‌های خانواده‌های بانکداری در بابل، خانواده اگیبی تعلق دارند و پنج نسل و اعضای یک خانواده (پیرفت پسران نخست‌زاده) برای ۱۲۰ سال، از زمان پادشاهی نبوکدنزر دوم (۶۰۵-۵۶۲ پ.م) تا آغاز پادشاهی خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ پ.م) را پوشش می‌دهند (اومستد، ۱۳۷۲: ۲۶۱؛ بریان، ۱۳۸۱: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۳۶؛ رجیبی، ۱۳۸۳: ۷۷-۷۶؛ Kuhrt, 2003: 573; Leick, 2003: 85; Pinches, 1889: 27-28; Abraham, 2004: 9-10). گمان می‌رود که بانک یا بنگاه سرمایه‌داری که فرزندان اگیبی بنیاد گذاشتند از ۶۹۰ پ.م تا سال ۴۸۰

چیرگی پارسیان بر پادشاهی‌های ماد، لیدی و بابل به رهبری کوروش، گشودن مصر توسط کمبوجیه و پیشروی‌های داریوش بزرگ و خشایارشا، به سمت غرب، نویدبخش زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تازه، اما پیچیده، و پر مخاطره، برای پارسیان بود. هر پادشاهی و هر منطقه، ویژگی‌ها و امکانات ویژه خودش را داشت و روشن است که پارسیان بی‌نیاز از همکاری و یاری دست‌اندرکاران سیاسی، اقتصادی، دینی و اجتماعی محلی نبودند. زمانی که کوروش در سال ۵۳۹ پ.م بابل را گشود، دگرگونی محسوسی در نهادهای بابلی ایجاد نشد و پارسیان، که با نظام پیچیده‌ای از شهرنشینی روبرو گردیده بودند، برای اداره هر چه بهتر این سرزمین، نهادهای بزرگی را که مقام دلالت و میانجیان میان حکومت و مردم داشتند، به کار گرفتند. از ویژگی‌های متمایز در دو سده چیرگی پارسیان بر بابل، می‌توان به تیول‌های نظامی یا زمین‌های خدمت و همکاری میان بنگاه‌های اقتصادی بابل و پارسیان اشاره نمود. اسناد و الواح به جا مانده از این شهر باستانی، از وجود تجارتخانه‌های بزرگی آگاهی می‌دهند که به انواع فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اشتغال داشتند. تجارتخانه‌هایی که بایگانی الواح و اسنادشان، پرده از همکاری و اشتراک مساعی آنان با اربابان جدید پارسی برمی‌دارد. شناخته‌شده‌ترین و بزرگترین این بایگانی‌ها، بایگانی خانواده بزرگ اگیبی است که غالباً به عنوان خانه‌بانک، بنگاه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارتخانه توصیف شده است. این خانواده، که گویا بنگاه سودآورشان را در سده‌ی هفتم پ.م برپا کرده بودند، یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین خانواده‌های تاجرپیشه در بابل بودند^۱ در میان الواح به دست آمده، با نام پسران و نوه‌های نمایندگان این خانواده بزرگ مواجه می‌شویم که در سرتاسر

بر عهده او بود. دوران ریاست او بر خانواده اگیبی، سال‌هایی از پادشاهی پادشاهان بابل پس از نبوکدنزر یعنی اوایل مروداک، نریگلیسر و نبونیدوس را در بر می‌گرفت (Wunsch, 1999: 393). پس از مرگ نبو-اهه-ایدین، ایتی-مردوک-بلاتو (Marduk-Itti-balātu)، امور خانه اگیبی را در نسل سوم تا پایان پادشاهی کمبوجیه، اداره و مدیریت کرد. دوران فعالیت خانواده اگیبی به رهبری او، همزمان بود با ۵ تا ۱۷ سال از پادشاهی نبونیدوس، ۹ سال از پادشاهی کوروش، از زمان گشودن بابل، و ۸ سال پادشاهی کمبوجیه، از سال ۵۳۰ تا سال ۵۲۲ پ.م. سال به تخت‌نشینی داریوش (Wunsch, 1999: 393). به گواهی اسناد می‌توان ایتی-مردوک-بلاتو را فعال‌ترین فرد و نسل در میان نسل‌های پنجگانه اگیبی‌ها دانست. او در زمان کوروش، کمبوجیه، و شاید در طی پادشاهی سمردیس/بردیا، به فعالیت‌های تجاری در بابل و ایران پرداخت (Zadok, 1976: 72; Wunsch, 2007: 237). نسل چهارم مدیران این بنگاه با نام مردوک-ناصر-اپلی (Marduk-nāsir-apli)، پسر ایتی-مردوک-بلاتو پیوند دارد. او اداره این بنگاه تجاری را از آغاز پادشاهی داریوش بزرگ تا ۳۵ سال از پادشاهی وی بر عهده داشت (اومستد، ۱۳۷۲:۲۶۱؛ Wunsch, 2007: 237; Johns, 1904: 240). پس از مرگ مردوک-ناصر-اپلی، پسرش، نیدیتی-بل (Nidinti-BeL)، در سی و دومین/سومین سال پادشاهی داریوش، اداره امور خانواده و رهبری نسل پنجم در دست گرفت. اسناد بازمانده نشان می‌دهد فعالیت اقتصادی این نسل از خانواده اگیبی نیز تنها تا آغاز پادشاهی خشایارشا، سالی که شمش-اریب (šamaš-erība) بر تخت نشست، یعنی سال ۴۸۲ یا ۴۸۰ پ.م ادامه یافته‌است (Wunsch, 2007: 238).

پ.م در بابل فعالیت داشته‌است (Zadok, 1976:72; Baker, 2001: 19; Abraham, 2004: 9-10). همانندی نام بنگاه خانوادگی اگیبی با نام یعقوب / یاکوب (Jacob)، پژوهشگران سده نوزدهم را واداشت این خانواده را به عنوان «بانکدارانی با تبار یهودی» توصیف کنند و نام بنیانگذار آن را به زبان خودش، یعقوب/ یاکوب، بدانند (اومستد، ۱۳۷۲: ۲۶۱). اما امروزه پژوهشگران، درباره یهودی بودن این خانواده تردید دارند و برخی بر این گمانند که این نام پیشا-عبری است و در میان رودان بالا، در سده ۱۸ پ.م رواج داشته‌است (کوک، ۱۳۸۶: ۴۰۲). به باور کورنلیا وونش، این انتساب، دیدگاه‌های معاصر (سده نوزدهم م.) را درباره یهودیان و نقششان در بانکداری معاصر، باز می‌تاباند تا حقیقت واقعی را. نام خانواده اگیبی دارای خاستگاه و ریشه سراسر است سومری-اکدی می‌باشد. (Wunsch, 2007: 236; Idem, 2010: 55, note.50).^۴ به هر حال، پس از اگیبی، در اسناد، از بل-اتیر (Bēl-ēir)، سپس، از نبو-زرا-اوکین (Nabû-zēra-ukīn) و پس از او، از شولیه (šulaja / šulaya) نام برده می‌شود (Roth, 2019: 20). اسناد به دست آمده وجود پنج نسل از این خانواده را گواهی می‌دهند (Wunsch, 2007: 236; Baker, 2001: 19; Holtz, 2009: 141; Abraham, 2004: 9-10; Nielsen, 2011: 49)؛ در نخستین نسل این خانواده، از فردی به نام شولجه/ شولیه پسر (نبو)-زرا-اوکین یاد شده‌است. او در سال‌های پایانی نبوپلسر و ۲۳ سال از پادشاهی نبوکدنزر، ریاست خانواده اگیبی را بر عهده داشت (Wunsch, 1999: 393). نسل دومی که اداره این بنگاه را بر عهده داشت با نام پسر شولجه/ شولیه به نام نبو-اهه-ایدین (Nabû-ahhe-iddin) پیوند دارد (Wunsch, 2007: 236-7; Holtz, 2009: 141). از ۱۵ تا ۴۳ سال از پادشاهی نبوکدنزر، اداره امور اگیبی

اگیبی‌ها در عصر بابل نو

آگاهی‌ها درباره نسل نخست خانواده اگیبی که به زمان نبوکدنزر دوم، پادشاه بابل بر می‌گردد، اندک است. روشن نیست که نخستین نسل این خانواده، دارای املاک و مستغلات بودند یا آن را به ارث برده بودند یا اینکه جیره‌خوار پرستشگاه بودند. به باور پژوهشگران، از آنجا که اعضای این خانواده در اداره پرستشگاه‌ها دخالت نداشتند یا صاحبان درآمد‌های پرستشگاه‌ها نبودند، بنابراین اگیبی‌ها در بابل، خانواده‌ای نوکیسه بودند که به قشر برگزیده شهری سنتی که ثروشان از املاک و جایگاهشان از پرستشگاه یا اداره شاهی ناشی می‌شد، تعلق نداشتند. به سخن دیگر، اگیبی‌ها در آغاز کار، نه املاک و مستغلاتی در بابل داشتند و نه جایگاه و موقعیتی در پرستشگاه یا کاخ، اما توانستند در طی دو نسل، نردبان پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را پیمایند (Wunsch, 2007: 237; Abraham, 2004: 9). این در حالی است که به باور نیلسن و یورسا، خانواده اگیبی از زمان شولجه/ شولیه یا حتی کمی زودتر، از سال‌های پایانی سده هشتم، دارای زمین‌های کشاورزی بودند و بیشتر ثروت آنها از کشاورزی حاصل می‌شد (Nielsen, 2011: 50). مایکل یورسا، اگیبی را به عنوان «اعضای یک طبقه اجتماعی پویا و شهرنشینان دلبسته کارآفرینی و کارفرمایی، بدون ریشه‌های استوار و پر و پا قرص در محل کار/ موسسه/ بنگاه سنتی که نقطه مرکزی‌اش از معابد کهن تشکیل می‌شد» توصیف کرده است (Jursa, 2005: 66). پایه و اساس بنگاه اقتصادی اگیبی بر تجارت کالا نهاده شده بود و نخستین نسل از خانواده اگیبی، به رهبری شولیه، فعالیت اقتصادی خود را با فراهم نمودن محصولات کشاورزی، مواد خوراکی و غذایی برای همه صنعتگران، هنرمندان و کارگرانی که در پرستشگاه‌ها یا

کاخ‌های شاهان در عصر نبوکدنزر و نبونید کار می‌کردند، آغاز کرده بود (Abraham, 2004: 11-12).^۵ بیشتر این نسل، دلبسته تجارت عمده مواد اولیه (جو و خرما) در نواحی روستایی پیرامون بابل بودند. اسناد گواهی می‌دهند که نسل دوم، خود را در جامعه بابل فعال‌تر نشان داده، رفته‌رفته، مدارج ترقی را تا تبدیل شدن به یک بنگاه بزرگ اقتصادی، با دارایی و جایگاه قابل توجه، پیموده است. در لوحی آمده که نبو-ا-ایدین، کارش را با آموزش کتابت و آموزش حقوقی آغاز کرد که این امر به او اجازه داد به عنوان یک منشی دربار به کار پردازد. بعدها، او وکیل و سخنگوی شاهزاده نریگلیسر (Neriglissar)، گردید (Wunsch, 2007: 237). پس از مرگ نریگلیسر، او موفق شد کارش را در زمان نبونیدوس (Nabonidus)، به عنوان داور شاهی، پیش ببرد. او مدت ۱۲ سال عضو شورای داوران شاهی نبونیدوس بود (Wunsch, 2007: 237, 245; Waerzeggers, 1997, 4-6).

اربابان پارسی و تجارتخانه خانواده اگیبی

گشودن بابل، جذابیت‌ها و امکانات ویژه‌ای برای پارسیان به همراه داشت. پس از گشودن بابل، این شهر یکی از غنی‌ترین شهربان‌نشین‌های امپراتوری هخامنشی گردید که با اقدامات مالی داریوش، مالیاتی در حدود ۱۰۰۰ تالان نقره در یک سال می‌پرداخت (هرودوت، ۱۳۶۸: ۲۰۳-۲۰۱؛ بریان، ۱۳۸۱: ۱/ ۶۰۸ و ادامه). تقریباً همه پژوهشگران گزارش هرودوت درباره اصلاح مالیاتی و پولی داریوش در امپراتوری هخامنشی را به واقعیت نزدیک می‌دانند، اما قطع و یقینی درباره سطح سیستمی که در آن تولید مالیات جنسی به مالیات پولی/ نقره تبدیل گردید، وجود ندارد. پژوهش‌های تازه بر آن

است که پرداخت‌های مالیاتی به طور کلی بر اساس جنس بود و گرایش به پرداخت مالیات به نقره یا طلا، به نظر می‌رسد تنها در سطوح بالاتر اداری رخ داده است (Jursa, 2011: 431). گذشته از این، مدارک بابلی نشان می‌دهد که با وجود افزایش میزان مالیات در زمان داریوش، یک جابه‌جایی و انتقال کلی به مالیات پولی، در مقیاس گسترده صورت نگرفته بود. در نظام مالیاتی هخامنشیان، شاهان تنها به دنبال پر کردن خزانه‌های خود از پول نقد نبودند بلکه در این نظام، یکی از اهداف آنها دستیابی به کارگران و سربازان بیگار بود (Jursa, 2011: 438). این به این معنی است که پرداخت مالیات تنها به نقره نبود بلکه بابلیان مالیات‌های جنسی دیگری چون گوسفند، حبوبات، خرما، شراب و غیره نیز می‌پرداختند (Dandamayev, 1992:1). در پادشاهی هخامنشی، زمین منبع اصلی مالیات‌های شاهی بود و پس از فتح بابل، پارسیان، به مصادره زمین‌های بارور، کانال‌های آبیاری، باغ‌ها و هر چیز دیگری که در تملک شاهان پیشین بود، پرداختند (بریان، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۵؛ Dandamayev, 1992: 13, 21). آنها در شهرهای بزرگی مانند سیپر، نیپور، اور، اوروک و بابل، زمین‌ها و کانال‌های آبیاری را در اختیار خود گرفتند و برای اداره و بهره‌برداری از درآمد آنها، از در همکاری با میانجیان و تجارتخانه‌ها، وارد شدند (بریان، ۱۳۸۱: ۹۲۲/۱).^۶ در این زمان، در دربار پارس بسیار مهم بود که اداره مناطق گسترده و بزرگ را به بنگاه‌داران و سرمایه‌داران محلی مانند اگیبی، که سود شایان توجهی را نصیب پارسیان می‌کرد، واگذار نمایند (Leick, 2003: 89-90). در نسل سوم خانواده اگیبی که همزمان با پادشاهی کوروش، کمبوجیه و بردیا بود، جایگاه نخست در فعالیت‌های اقتصادی و اداره اگیبی، به ایتی - مردوک - بلاتو تعلق داشت (Wunsch, 1999: 396;

241: Idem, 2010). ایتی مردوک بلاتو کوشش‌های ویژه‌ای برای نگهداری و حفظ دارایی‌های اگیبی انجام داد؛ زیرا بخش بزرگی از تجارت وی در مواد اولیه، مبتنی بر همکاری با اداره شاهی بود. او آشکارا به عنوان عضوی از گروه تاجران بابلی برای ترغیب دربار شاهی و شخصیت‌های پرنفوذ آن، چندین سفر درازمدت به پارس، متزیش و اکباتان را رفت. (کوک، ۱۳۸۶: ۱۶۳؛ بریان، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۰؛ Stolper, 1984: 308; Zadok, 1976: 67-78; Wunsch, 2010: 49; Jursa, 2007: 85). همچنان که بعدها اسناد نشان می‌دهند، او در نگهداشت و گسترش جایگاهش در گردآوری مالیات در ناحیه بابل و در فراهم نمودن خوار و بار و نیازهای سپاه موفق گردید (Wunsch, 2007: 237). الواح بازمانده از بایگانی اگیبی، بیانگر تنوع فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی این خانواده در طی دو سده در بابل و ایران می‌باشد. فعالیت اقتصادی این خانواده شامل خرید و فروش مقادیر زیادی غلات، خرما، پیاز، پشم، اجاره زمین، برده و داد و ستدهای گوناگون صنعتی، کشاورزی و مالی می‌شد (Kuhrt, 2003: 110). یکی از مهمترین عرصه‌های اقتصادی که با روی کار آمدن هخامنشیان و بازپخش زمین‌ها میان شاهان، شاهزادگان و بزرگان پارسی، نقش خانواده اگیبی را گسترده و دوچندان نمود، سازمان مالیاتی هخامنشیان و خدمات اجباری بود.

سازمان مالیاتی هخامنشیان و خدمات اجباری

مهمترین و بزرگترین منبع درآمد امپراتوری هخامنشی، از مالیات بر زمین تامین می‌شد. پایه و اساس مالیات هخامنشیان از زمان کوروش تا آغاز پادشاهی داریوش، نظام مالیات گذشته بود؛ اما در زمان داریوش و با انجام سیاست‌های مالیاتی، ضمن نگهداشت شالوده مالیاتی

شاه زمین، باغ و کشتزار دریافت می‌کردند. و سوم، مالیاتی که بر خانواده‌های شهری خصوصی بسته می‌شد (Jursa, 2011: 433). اسناد بایگانی آگویی نشان می‌دهند که شیوه‌های پرداخت مالیات برای جمعیت شهری بابل، از نظر ساختاری، از پایان سده ششم تا آغاز سده پنجم، از پایان پادشاهی نوکدنزر تا پایان پادشاهی داریوش، دگرگونی چندانی نیافت و کشورگشایی هخامنشیان و پادشاهی داریوش نیز تغییری کیفی در این نظام پدید نیاورد. همچنین بر اساس اسناد بابلی، با وجود افزایش مالیات در زمان داریوش، مالیات پولی از گستردگی چندان برخوردار نگردید. بیشتر مالیاتی که هخامنشیان بر آن بودند تا دریافت نمایند، مالیات بر زمین و خدمات اجباری و بیگاری بود؛ این به این معنی است که هخامنشیان تنها به دنبال دریافت مالیات پولی نبودند (Jursa, 2011: 437-8).

نهاد خطرو و نقش آگویی‌ها

یکی از پیامدهای گشودن بابل و دیگر شهرهای میان رودان، بازپخش بخشی از زمین‌های میان رودان به نفع شاه و پارسیان بود که در وهله نخست، به تاج و تخت اختصاص یافتند (داندامایف، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵؛ وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۳۴۶-۳۴۵؛ Jursa, 2010: 758; Idem, 2011: 432). شاهان هخامنشی برای بهره‌برداری هر چه بیشتر، زمین‌ها را به شاهزادگان و بزرگان بلندپایه واگذار کرده، آنها را مکلف به پرداخت خراج و ارائه خدمات نظامی می‌کردند. از این رو، دارندگان این زمین‌ها ملزم بودند در زمین‌های خود، افراد سواره‌نظام تربیت کنند تا در صورت بروز جنگ، بتوانند با نیروهای پرورش یافته‌ی خود، به یاری شاه بیایند. توزیع دوباره زمین‌ها توسط شاهان هخامنشی،

گذشته، مالیات‌های تازه‌ای نیز بر پرستشگاه‌ها، اشخاص خصوصی و دارندگان زمین بسته شد. بر اساس اسناد به دست آمده از بابل، در زمان داریوش بزرگ، سه گونه مالیات مستقیم و خدمات اجباری در منطقه میان رودان اعمال می‌گردید، نخست در حوزه پرستشگاه‌ها: در دوران هخامنشیان، اساگیلا (Essagila)، مهمترین پرستشگاه بابلیان بود و از این رو، مالیات مستقیم و خدمات اجباری‌ای که بر درآمد زمین‌های پرستشگاه‌های دیگر مانند: ائنا (Eanna)، ابیر (Ebabar)، بورسپا، ازیدا (Ezida) بسته می‌شد، توسط ماموران این پرستشگاه گردآوری می‌گردید و این پرستشگاه، مرکز اصلی گردآوری درآمد زمین‌های کشاورزی پرستشگاه‌ها بود. بر اساس دو لوح از اوروک، مالیاتی که در زمان کوروش و کمبوجیه، بر پرستشگاه‌ها بسته شد، ۳/۳۳ درصد از محصول خرمن پرستشگاه بود (Jursa, 2011: 434). این اسناد همچنین از سیاست نوین شاهان هخامنشی برای دریافت مالیات‌ها به نقره، به جای جنس، پرده بر می‌دارد و نشان می‌دهد که سازمان اداره شاهی بر آن بود تا نظام گردآوری مالیات را به صورت پولی درآورد. یکی از وظایف پرستشگاه‌ها در زمان پادشاهی بابلی نو و هخامنشیان، فراهم نمودن نیروی انسانی برای طرح‌های ساختمانی، اهداف نظامی شاهی، نگهبانی از چراگاه‌ها و خوراک دربار و کاخ‌های شاهی، بود. این درخواست‌ها در زمان پارسیان افزایش یافت و فشار بر پرستشگاه‌ها را دوچندان کرد. (Stolper, 2003: 265-87; Jursa, 2011: 434). دوم در مورد زمین‌های کشاورزی که از سوی پادشاه به افراد یا گروه‌هایی بخشیده شده بود که آنها را به نوبه خود موظف می‌ساخت به شاه مالیات یا نیروی کار یا خدمت نظامی ارائه دهند. افراد و گروه‌های فراوانی از

نیز وجود داشته‌اند (بریان، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۵؛ گرشیدیچ، ۱۳۸۵: ۴۵۸-۴۵۶؛ داندامایف، ۱۳۸۵: ۱۲۶؛ وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۳۴۶-۳۴۵؛ Dandamayev, 1992: 18, 21; Kuhrt, 2003: 695; Jursa, 2011: 435). بنا بر اسناد به دست آمده از الواح بایگانی اگیبی، این خانواده از بزرگترین تجارتخانه‌ها در اجاره زمین‌های کشاورزی شاهان هخامنشی، شاهزادگان و بزرگان پارسی بودند. اگیبی‌ها که در فعالیت‌های گسترده‌ای چون سرمایه‌گذاری بر زمین و معاملات اعتباری مهارت داشتند، درآمدشان از سودهای تجاری را در اجاره کردن زمین و سپس اجاره دادن آن بر اساس محصول مشترک، سرمایه‌گذاری می‌کردند (Wunsch, 2010: 48; Jursa, 2010: 766). فعالیت‌های تجارتخانه‌ها تنها در مورد زمین‌های شاهی و زمین‌های بزرگان خلاصه نمی‌شد؛ بلکه در کنار این فعالیت‌ها، آنان زمین‌های پرستشگاه‌ها را نیز اجاره می‌کردند و در ازای اجاره، موظف بودند مالیات (ایلکو) به شاه پرداخت کنند. اجاره‌کنندگان این زمین‌ها، سپس آنها را به اشخاص سومی اجاره می‌دادند (بریان، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۶؛ Jursa, 2007: 83-85). لوحی به تاریخ ۵۲۹ پ.م به سیلا، مباشر گوبارو اشاره می‌کند؛ یعنی به شخصی که مسئول اداره زمین‌های شهربان بوده است. در این لوح، به ترعه گوبارو اشاره شده که بهره‌برداری از آن به گروه‌ها و اجتماع مستقر در پیرامون محلی به نام هندید که گویا در نزدیکی سپیر بوده است، اختصاص یافته است. دو قلمرو دیگر نیز شناخته شده‌اند؛ این دو قلمرو در نزدیکی اوروک قرار دارند و در دوران کمبوجیه، در دست پارسیان بوده‌اند (بریان، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۵؛ Dandamayev, 1992: 18, 21). همچنین الواح دیگری از نخستین سال فرمانروایی کمبوجیه در سال ۵۳۸ پ.م. در دست است که به گروهی مصری اشاره می‌کند که نماینده ایشان مجمع

به پیدایش انواع تیول‌های متعلق به سربازان شاهنشاهی، اشراف و دیگران منجر گردید (بریان، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۵؛ داندامایف، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵؛ همو، ۱۳۸۸: ۳۴۶-۳۴۵؛ Dandamayev, 1992: 14). تیول‌داران برای پاسخگویی به فرمان بسیج سپاه، ناگزیر به گرفتن وام‌های سنگین از تجارتخانه‌های بابلی بودند و همین امر از یک سو برقراری ارتباط میان بزرگان پارسی و تجارتخانه‌های بابلی را به همراه داشت و از سوی دیگر، منجر به ایجاد نهاد خطرو ($\square a \square ru$) در درون بابل گردید. خطرو عبارت بود از همه زمین‌های کشاورزی یا تیول‌های گوناگون که از سوی شاه به بزرگان و شاهزادگان پارسی واگذار می‌شد. (بریان، ۱/ ۱۱۶؛ Dandamayev, 1992: 17). همچنین این واژه به گروه یا جماعتی اشاره می‌کند که قلمرویی را به صورت بخشش و واگذاری دریافت می‌کردند و به صورت سهام خانوادگی به زیر کشت می‌بردند. به این سهام، نام‌های گوناگونی داده شده است مانند قلمرو دست ($Bit- riti$)، قلمرو کمان ($bit qašti$)، قلمرو اسب ($bit sisê$) و قلمرو گردونه ($bit arkabti$). سه واژه پایانی نشان می‌دهد که کارویژه این سهام‌ها، تامین سپاه برای شاه بوده است. واژه خطرو، که نخستین بار در اسنادی در اوروک و در زمان شاهی نبونید، پادشاه بابل، یافت شده (Dandamayev, 1992: 17; Stolper, 2004: 732f; Jursa, 2007: 83-84). پیشینه این نهاد را به بابل پیش از هخامنشیان می‌رساند؛ اما این شاهان پارسی بودند که به نظامی که بر استقرار ارضی قدرت تازه، افزایش تولید کشاورزی و برداشت‌های شاهانه کمک می‌کرد، تحرک تازه‌ای بخشیدند و به آن مفهومی نو دادند (بریان، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۵؛ Jursa, 2011: 437). الواح اگیبی، اهمیت این نهاد را بهتر روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که این سهام‌ها یا برخی از آنها، در زمان کوروش و کمبوجیه

بزرگان بوده‌است (داندامایف، ۱۳۸۵: ۱۲۷). به نظر می‌رسد این مجمع به پخش سهم‌ها در درون زمین مبادرت می‌کرده است. در سال ۵۲۵ پ.م، مترجم یا مباشر کمبوجیه، یک مین بیست شکلی از زمین‌های کمبوجیه را به عضوی از خانواده آگیبی اجاره داده‌است (Dandamayev, 1992: 92). اسناد دیگری از دوران کمبوجیه به شهر کاریایان اشاره می‌کند و چنین می‌نماید که این افراد در زمین‌های متعلق به شاه مستقر شده بودند و مکلف بودند که سرباز گسیل کنند. زمین‌های کمان در روایت بابلی بیستون نیز قید شده است و گویا این قطعه تایید می‌کند که این نهاد حتی پیش از نشستن داریوش بر تخت شاهنشاهی هخامنشی، رواج داشته یا دست کم در حال سازماندهی بوده است. لوحی متعلق به یازدهمین سال پادشاهی داریوش، نشان می‌دهد که دو نفر، ۴۰۰ کور گندم به عنوان اجاره به بگ سرو داده‌اند. بگ سرو (*baga-sarū*)، گنجور یا گزهر داریوش بود. بر اساس این سند، یک سوم این اجاره به بگ سرو و بازمانده به مردوک - ناصر - اپلی و برادرانش داده شده‌است. هشت ماه پس از آن، پیشتی جی، پیشکار و مباشر بگ سرو، به نبوکلیبی دستور می‌دهد که یک برده بفرستد تا ۱۵ کور خرمایی را که سهم بگ سرو است از تجارتخانه آگیبی دریافت کند (Dandamayev, 1992: 61). پرداخت مالیات به نقره توسط دارندگان این امتیازات، از زمان داریوش، پای تجارتخانه‌هایی مانند آگیبی را به میان کشید. این تجارتخانه به اداره و چرخاندن امور زمین‌ها و واگذاری آنها به مشاغلی که املاک نظامی نیز در ردیف آنهاست، مشغول بودند. به این ترتیب، مردوک - ناصر - اپلی که کنیه‌اش، شیر-ایک-کو است با اجاره املاک بزرگان در زمان داریوش، مالیات‌های محوله را وصول می‌کرد. مردوک - ناصر - اپلی در دوران داریوش در سال‌های ۴۹۵-۴۹۷ پ.م. و در سال

۵۱۱ پ.م، مسئول اداره زمین‌ها و املاک شاهی در پیرامون بابل بود و با توجه به سودی که بگ سرو و آگیبی‌ها از فروش محصول زمین‌ها برده‌اند، می‌توان گفت که اجاره زمین‌ها، کار بسیار پر درآمدی بوده است (بریان، ۱۳۸۱: ۱ / ۱۰۱۱؛ Abraham, 2004: 13). از سوی دیگر اسناد نشان می‌دهند که دارندگان حصه‌ها، معمولاً زمین‌های خود را بشخصه زیر کشت نمی‌بردند؛ بلکه اداره آنها را به تجارتخانه‌ها واگذار می‌کردند و این حکایت از آن دارد که موقعیت مالی این افراد چندان درخشان نبوده است. و در عین حال، بیانگر این مسأله است که این افراد ناگزیر بودند به تعهدان نظامی خود عمل نمایند (بریان، ۱۳۸۱: ۱ / ۹۳۸). نکته دیگری که می‌توان بر طبق این اسناد برداشت کرد این است که نظام اجاره‌ای و پرداخت بخشی از محصول یا ارزش آن به شکل مال‌التجاره توسط تجارتخانه به صاحب ملک، از زمان داریوش برای اداره زمین و درآمدها به اجرا درآمده است و همان طور که نظام خطرو موجب شد پیوند میان شاه و خاندان شاهی با تجارتخانه‌های بابلی می‌شد، این نظام نیز همکاری نزدیک بزرگان نیرومند پارسی با تجار و نمایندگان تجارتخانه‌ها و مردم را به همراه داشت. از سوی دیگر، شرکت نمایندگان تجارتخانه‌ها در اداره و اجاره زمین‌های اربابان جدید، شاهد ادغام طبقه ثروتمند و به تعبیری، حاکم بابل در بافت شاهنشاهی جدید است.

آگیبی‌ها و پرداخت ایلکو/ ایلخو

در کنار واگذاری زمین به بزرگان، از آنها مالیات و عوارض گوناگونی گرفته می‌شد که به آن ایلکو/ ایلخو (*ilku/ilku*)^v می‌گفتند (Cardascia, 1958: 98-102). داندامایف، ایلکو را مالیاتی می‌داند که در دوران

اپلی، آگاهی می‌دهد اما به این نکته نیز اشاره دارد که مردوک-ناصر-اپلی، یک پرداخت کننده نبوده بلکه او کسی بوده که پرداخت‌های ایلکو را به نام خودش دریافت می‌کرده‌است (Abraham, 2004: 42). دوم، متون دیگری از مردوک-ناصر-اپلی در دست است که نشان می‌دهند او نیز همانند دیگر شهروندان بابل و از همان طبقه اجتماعی، تابع پرداخت ایلکو بوده‌است. در این مورد، این احتمال وجود دارد که او در راس واحد خودش، مسئول گردآوری پرداخت‌های ایلکو بوده‌است. چند احتمال درباره نقش خانواده اگیبی و شخص مردوک-ناصر-اپلی، در گردآوری ایلکو، قابل بررسی است. نخست این که او، به احتمال، عضو یک واحد مالیاتی بوده که از یک سو مالیات‌ها را پرداخت می‌کرد و از سوی دیگر اعضای واحد مالیاتی‌اش را پیش از مالیات‌های دیگر اعضای واحد مالیاتی‌اش را پیش از آنکه به دست حکومت برسد، گردآوری می‌کرد. احتمال دوم این است که فرض کنیم او یک گردآورنده مالیات بوده که مالیات‌ها را به نام حکومت گردآوری و دریافت می‌کرد؛ اما با مردمی که مالیات‌های آنها را برای تحویل به حکومت گردآوری می‌کرد، هیچ ارتباطی نداشت. سوم اینکه می‌توان خانواده‌ی اگیبی را میانجیان و یا کارآفرینانی دانست که نقش میانجی را میان مردم و حکومت بازی می‌کردند. کار این میانجیان این بود که برای پرداخت‌کنندگان مالیات، اعتباری را که برای پرداخت مالیات نیاز داشتند، فراهم می‌کردند یا اینکه از سوی پرداخت‌کنندگان مالیات، پیشاپیش مالیات مقرر را به سازمان شاهی پرداخت می‌کردند و بعدها، نقره‌ای را که به بدهکاران به وام داده بودند، دریافت می‌کردند. در واقع، پیمانکاران خصوصی مانند اگیبی، همه مالیات یک سال افراد به حکومت را پیشاپیش پرداخت می‌کردند و سپس سرمایه‌ای را که در این راه هزینه کرده بودند، از پرداخت‌کنندگان

بابل کهن، دارندگان زمین به حکومت می‌پرداختند (داندامایف، ۱۳۸۵: ۱۲۷) هرچند به نظر می‌رسد این مالیات موارد بیشتری را در بر می‌گرفت (Abraham, 2004: 66-67; Jursa, 2011: 439). پرداخت ایلکو در زمان هخامنشیان نیز همچنان مرسوم بود (Jursa, 2011: 437-9) که بر اساس اسناد، دارندگان امتیاز زمین، موظف بودند که در زمان مقرر، تعهدات و تکالیف خود را در چارچوب ایلکو به شاه پرداخت کنند. این ایلکو، بسته به نوع بخش یا قطعه تقسیم شده از زمین‌ها، متفاوت بود؛ حصه‌ها یا قلمروهای سواره‌نظام موظف بودند ایلکوی خود را به صورت سواره‌نظام آموزش دیده، پرداخت کنند. این تعهد، تنها خدمت نظامی‌ای بود که دارندگان امتیاز به هیچ وجه از آن معاف نبودند. اما در کنار آن، پرداخت‌های جنسی مانند آرد شاه، انواع سهم/هدیه نیز وجود داشت (بریان، ۱۳۸۱: ۱/۷۶۳). همچنین اسناد نشان می‌دهند که پرداخت‌ها به صورت جنسی بودند؛ اما اسناد زمان داریوش اشاره دارند که دارندگان این امتیازات، برخی از تعهدات خود را به صورت نقره می‌پرداختند که در واقع، به این معنی است که شاهنشاهی نیز پرداخت به نقره را مفیدتر می‌دانست (بریان، ۱۳۸۱: ۱/۷۶۴-۷۶۳) میزان معمول ایلکو برای یک شهروند از طبقه بالای جامعه، گویا بین نیم مینا تا یک مینا نقره در سال بوده‌است (Jursa, 2007: 89). در اینجاست که تجارتخانه‌های بابلی مانند اگیبی وارد صحنه می‌شدند و دارندگان امتیاز زمین را در پرداخت تعهدات خود یاری می‌رساندند. اسناد دوران مردوک-ناصر-اپلی به خوبی نقش این خانواده را در فرایند پرداخت ایلکو روشن می‌سازند؛ بنا بر این اسناد، دو گونه پرداخت ایلکو درباره مردوک-ناصر-اپلی، به چشم می‌خورد؛ نخست این که برخی از الواح بایگانی اگیبی با اینکه از پرداخت ایلکو توسط مردوک-ناصر-

مالی خانواده آگبی را جبران نمایند. از سوی دیگر، پرداخت ایلکو، این سود را برای خانواده آگبی داشت که می‌توانست حق گردآوری ایلکو را از حکومت برای خودش دریافت نماید. به بیان دیگر، خانواده آگبی با پرداخت پیشاپیش ایلکوها به مبلغ ثابت نقره به حکومت، در عمل، اقدام به خرید حق دریافت ایلکوها می‌کرد. این حق خرید و دریافت می‌توانست موارد فراوانی مانند: دریافت ایلکو از پرستشگاه اساگیلا، نواحی گوناگون بابل و غیره را نصیب آگبی‌ها کند. با به دست آوردن حق دریافت ایلکو، مرحله دوم فعالیت آگبی‌ها رقم می‌خورد و آن دریافت ایلکو از پرداخت‌کنندگان ایلکو و جبران هزینه‌هایی بود که آنها بیشتر در پرداخت ایلکو به حکومت متحمل شده بودن (بریان، ۱۳۸۱: ۷۶۲-۷۶۳/۱؛ Abraham, 2004: 83). از دیدگاه حکومت، پرداخت ایلکو توسط آگبی‌ها مفید بود؛ زیرا حکومت مطمئن بود که از این راه می‌تواند به آسانی به درآمدهای لازم، و به ویژه نقدی خود دست پیدا کند. سود دیگر این شیوه برای حکومت این بود که با دریافت نقدی ایلکو و دیگر مالیات از خانواده‌هایی مانند آگبی، می‌توانست حقوق وابستگان، سربازان و کارمندان خود را پرداخت نماید. از دیدگاه خانواده آگبی نیز، دریافت و پرداخت ایلکو سود فراوان داشت و خانواده آگبی با خرید حق دریافت ایلکو، می‌توانست هزینه‌های خود را با جنس، در زمان خرم و در طول سال جبران کند. برای پرداخت‌کنندگان مالیات نیز سودمند بود، آنها می‌توانستند بدون اینکه منتظر رسیدن زمان خرم باشند تا با محصول آن مالیات خود را پرداخت کنند، با کمک خانواده‌هایی مانند آگبی، پیشاپیش مالیات را پرداخت کرده، سپس محصول خرم خود را به جای بدهکاری به آگبی‌ها می‌دادند (Abraham, 2004: 84).

مالیات دریافت می‌کردند (بریان، ۱۳۸۱: ۱۱۷؛ Abraham, 2004: 16, 63, 78; van driel, 2002, 256ff). ایلکو به دلایل گوناگون، پرداخت می‌گردید و موارد گوناگونی را در بر می‌گرفت؛ برخی متون نشان می‌دهند که ایلکو، برای رفتن به ایلام، برای انتقال یارانه‌ی کمکی به کارگران در اسکله، برای پرداختن خدمات اجباری واحد کمان، برای بیگاری در پل بابل و برای تجهیز کماندار پرداخت می‌شد (بریان، ۱۳۸۱: ۶۶۶/۱؛ Jursa, 2011: 88; Abraham, 2004: 66-67). به گواهی الواح بایگانی آگبی، اشخاصی که مردوک-ناصر-اپلی، ایلکو را از آنها دریافت می‌کرد، هم به صورت فردی بودند هم به صورت اعضای یک گروه خویشاوند، اعضای یک پیشه، یا کاخ. بنابراین، ایلکو، تنها بر تک افراد تحمیل نمی‌گردید؛ بلکه بر دو فرد یا بیشتر نیز اعمال می‌شد. همچنین، ایلکو بر افرادی که به یک پیشه وابسته بودند، یا بر مردمی که از یک شهر یا یک خانواده بودند نیز، بسته می‌شد. شخصی مانند مردوک-ناصر-اپلی، وقتی مالیات واحد خود را گردآوری می‌کرد، رئیس واحد خود بود؛ اما هنگام گردآوری مالیات تک‌تک افراد، واحدها و گروه‌های دیگر، او در مقام رئیس واحد خودش عمل نمی‌کرد. به نظر می‌رسد در مورد گردآوری مالیات‌های افراد و گروه‌ها، او نقش همکار و کمک حکومت یا نقش مسئولی از سوی حکومت را ایفا می‌کرد (بریان، ۱۳۸۱: ۷۶۱-۷۶۲/۱؛ Abraham, 2004: 81-82). یک نکته درباره پیوند میان پرداخت‌کنندگان ایلکو و خانواده آگبی قابل بررسی است و آن اینکه بیشتر پرداخت‌کنندگان ایلکو، به دلیل ناتوانی در پرداخت ایلکو، ناگزیر از دریافت وام از خانواده آگبی بودند و همین امر آنها را به خانواده آگبی بدهکار و وابسته می‌کرد. نتیجه چنین وابستگی‌ای این بود که بدهکاران ناگزیر بودند کمک

مالیات و خدمات اجباری

گذشته از مالیات ایلکو، اسناد بازمانده از خانواده اگیبی در نسل چهارم نشان می‌دهد که این خانواده ناگزیر از پرداخت مالیات و عوارض گوناگونی بود که به شکل واژه‌هایی فنی، به آنها ریکیس کبلی (*rikis- qabli*)، نیدیتو-ش-لو-کشتی (*nidintu- ša-lu-qašti*)، میکسو (*miksu*)، گیمر و (*gimru*)، ایمیتو و اورشو (*urašū*)، می‌گفتند و چون پیشتر وجود نداشتند، بنابراین مختص دوران هخامنشی بودند (بریان، ۱۳۸۱: ۱۱۱/۱ و ۲۲۶؛ Jursa, 2007: 89). ریکیس-کبلی مالیاتی بود که توسط شاهان بابلی نو و پارسی، برای تهیه پول برای تدارک و تجهیز سربازان و کارگران بیگار بسته می‌شد (Jursa, 2007: 88; Abraham, 2004: 20). به سخن دیگر، ریکیس-کبلی، به معنای فراهم نمودن تجهیزات یا ساز و برگ جنگی برای خدمت نظامی بود. ریکیس-کبلی، موارد گوناگونی را شامل می‌شد که می‌توان به تدارک و تجهیز مردان برای رفتن به نزد شاه و تهیه و تدارک وسایل سفر اشاره نمود که فردی مانند مردوک-ناصر-اپلی، این تکلیف اجباری را به نقره پرداخت می‌کرد. همچنین پاره‌ای از اسناد بر این امر تاکید دارند که مردانی که برای مردوک-ناصر-اپلی کار می‌کردند و کالاهای وی را گردآوری، بارگیری و منتقل می‌کردند، موظف بودند در ارتش شاه یا در کارهای ساختمانی زیر نظر حکومت نیز خدمت کنند. بر اساس سندی از ششمین سال پادشاهی داریوش، میزان نقره‌ای که مردوک-ناصر-اپلی در پایان سال، برای ریکیس-کبلی پرداخت کرده، یک مینا بوده است (Abraham, 2004: 20-24).^۱ در یکی از پرداخت‌های مردوک-ناصر-اپلی، به پرداخت لو-کشتی (*lu- qašti*) اشاره شده که گمان می‌رود این پرداخت به نوعی، به کمانداران مرتبط

باشد. بر اساس این پرداخت، احتمال می‌رود که مردوک-ناصر-اپلی، مالیات مقرر را به صورت خدمات نظامی مرتبط با کمانداری انجام می‌داده یا اینکه موظف بوده به صورتی اجباری در تجهیز کمانداران سهم گردد. این مالیات، که رایج‌ترین مالیات در زمان پادشاهی داریوش بود، به نظر می‌رسد جزئی از ایلکو یا با آن یکی بوده است (بریان، ۱۳۸۱: ۱۱۶/۱ و ۱۶۰؛ Jursa, 2011: 441; Idem, 2007: 87). اسناد بایگانی اگیبی نشان می‌دهد که برخی از این واحدهای کمان، برای پرداخت ریکیس-کبلی یا تکلیفشان درباره‌ی تجهیزات یا خدمات نظامی، از خانواده اگیبی، نقره وام گرفتند و برای بازپرداخت آن نیز ناچار شدند که با گرو گذاشتن ملک خود، تضمین لازم را بدهند. واحدهای دیگر نیز، با وام گرفتن از مردوک-ناصر-اپلی، تکه زمین، گندم و خرماي خود را به گرو گذاشتند (Abraham, 2004: 59-62). میکسو و گیمر و؛ شرکت خانواده اگیبی در فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی گوناگون، آنها را ناگزیر می‌ساخت برای دستیابی به منافع مورد نظرشان، مالیات‌های گوناگونی پرداخت کنند؛ یکی از مالیات‌هایی که مردوک-ناصر-اپلی موظف به پرداخت آن بوده، میکسو است. میکسو عبارت از مالیاتی که مردوک-ناصر-اپلی، موظف بود در ازای بهره‌برداری از کانال‌های آبیاری و زیرساخت‌های آن، به حکومت پرداخت کند. گیمر و، نیز که با بهره‌برداری از زیرساخت‌های آبی ارتباط داشت، مالیاتی بود که نماینده خانواده اگیبی، موظف بود بابت هزینه‌های انتقال کالا، به حاکم داریوش در بابل پرداخت می‌کرد. اسناد نشان می‌دهد که مردوک-ناصر-اپلی، بایستی برای دسترسی به زیرساخت‌های راه‌های آبی مانند کانال‌ها، بندرگاه‌ها، انبارها و مخازن، صندوق‌های حمل کالا، قایق‌ها و دریانوردان، پرداخت‌های اجباری را به

حکومت واریز می‌کرد (Abraham, 2004: 32). یکی از فعالیت‌هایی که خانواده اگیبی ناگزیر از انجام آن برای شاه هخامنشی بود، کارهای اجباری بود. اسناد بابلی برای تعریف کار اجباری یا بیگاری، واژه‌های اورشو، دولو (*dullu*) و کوتوتو (*kutallūtu*) را به کار برده‌اند (Jursa, 2011: 442; Idem, 2007: 87, note.38, P.88). سه سند از زمان داریوش در دست است که گزارش می‌دهند مردوک - ناصر - اپلی، مقداری نقره برای انجام کار اجباری مانند انتقال روغن و آرد به وسیله قایق به بابل و به کارگیری کارگران پرداخت کرده یا کسانی را اجیر کرده تا از سوی وی کار کنند (Abraham, 2004: 36; Jursa, 2007: 73-78). بخش دیگری از فعالیت‌های اقتصادی اگیبی‌ها بر مقاطعه‌کاری یا اجاره‌داری مالیات‌ها متمرکز بود. اگیبی‌ها، در گردآوری اجاره‌ها و مالیات‌ها سرمایه‌گذاری می‌کردند (Abraham, 2004: 13). در این فعالیت، اگیبی‌ها، گردآوری مالیات منطقه‌ای مشخص را در برابر پرداخت مبلغی کلی / نقدی به نهادی که گردآوری مالیات‌ها را اجازه داده بود، بر عهده می‌گرفتند. این میزان مبتنی بر درآمدهای مالیاتی مورد انتظار از همان منطقه بود. اجاره‌داران مالیات، پولشان را از مابه‌التفاوت گردآوری مالیات نسبت به میزانی که پرداخت کردند، به دست می‌آوردند (Wunsch, 2010: 48).

نتیجه

بایگانی خانواده اگیبی با پرتوی تازه‌ای که بر اقتصاد هخامنشی و سازمان مالیاتی، از پادشاهی کوروش تا پایان پادشاهی داریوش می‌اندازد، اهمیت بسزایی در شناخت زوایای تاریخ اقتصاد هخامنشی دارد. این بایگانی، از وجود شبکه‌های بزرگ مالی و اقتصادی در

شهرهای بزرگ مانند بابل و همچنین، سازوکارهایی آگاهی می‌دهد که گردانندگان این شبکه‌ها برای دستیابی به سود بیشتر به کار می‌گرفتند. این اسناد به ما نشان می‌دهد که خانواده‌هایی مانند خانواده اگیبی، در طی پنج نسلی که در اقتصاد بابل داشتند، پیوند تنگاتنگ و کارآمدی با پادشاهان بابلی نو، شاهان هخامنشی و شهربانان آنها در بابل داشتند. این نکته در واقع، نیاز هر دو سو را به داشتن مناسباتی دو سویه برای تامین درآمدهای مورد انتظار آشکار می‌سازد. بایگانی اگیبی این نکته را برای ما آشکار می‌سازد که زمین، منبع اصلی مالیات‌های شاهی بود و اربابان جدید با مصادره زمین‌ها، املاک مرغوب، کانال‌های آبیاری و باغ‌ها، در شهرهای بزرگی مانند سیپیر، نیپور، اور، اوروک و بابل، با بهره‌برداری از درآمد آنها، به همکاری با میانجیان و تجارتخانه‌ها، پرداختند. سیاست شاهان و بزرگان پارسی در بابل این بود که با پرهیز از حذف دو بخش اقتصاد پرستشگاه‌ها و اقتصاد خصوصی، اداره مناطق گسترده و بزرگ را به بنگاه‌داران و سرمایه‌داران محلی واگذار نمایند. این اسناد همچنین دیدگاه هرودوت درباره اصلاحات داریوش در اقتصاد هخامنشی را که در پی آن بود تا اقتصاد مالی هخامنشی را از پرداخت جنسی به پولی تبدیل کند، تصحیح می‌کند. الواح بایگانی اگیبی نشان می‌دهد که پرداخت‌های مالیاتی به طور کلی، بر اساس جنس بود و گرایش به پرداخت مالیات به نقره یا طلا، به نظر می‌رسد تنها در سطوح بالاتر اداری رخ داده بود. همچنین از این گواهی‌ها، چنین بر می‌آید که با وجود افزایش میزان مالیات در زمان داریوش، در مقیاس گسترده جابه‌جایی و انتقال کلی به مالیات پولی، صورت نگرفته بود. در نظام مالیاتی هخامنشیان، شاهان تنها به دنبال پر کردن خزانه‌های خود از پول نقد نبودند بلکه در این نظام، یکی از اهداف آنها دستیابی به

کارگران و سربازان بیگار بود. تداوم نهاد خطرو، از دوران پادشاهی بابلی نو در زمان هخامنشیان، پرداخت مالیاتهای ایلکو، ریکیس-کبلی، گیمرو، میکسو، اورشو و دیگر پرداختها، از مجموعه آگاهی‌هایی هستند که اسناد اگیبی درباره‌ی انجام خدمات نظامی و غیرنظامی، خواه به صورت اجباری و خواه داوطلبانه، در دسترس ما قرار می‌دهند. پرداخت مالیات‌ها بر اساس نقره، این پیامد را به دنبال داشت که مودیان مالیات برای پرداخت نقدی مالیات‌هایشان، روی به سوی دلان و بنگاههای اقتصادی آورده، برای گرفتن نقره، زمین‌هایشان را در گرو آنها بگذارند. اگیبی‌ها همچنین در زمینه دادن وام، بهره‌برداری از زمین، تجارت برده، مقاطعه‌کاری یا اجاره‌داری مالیات‌ها، پرداخت مالیات از سوی پرداخت‌کنندگان مالیات و غیره فعالیت داشتند. برداشتی کلی و اجمالی از پیشرفت و خیزش اگیبی‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌ای مانند اگیبی‌ها، در حالی توانستند به رشد و پیشرفت دست یابند که در جامعه‌ای مانند بابل، بیشتر زمین‌ها و دارایی‌ها یا به پرستشگاه تعلق داشت یا به اداره شاهی یا به قشر زمین‌دار و ثروتمند شهری. ورود اگیبی‌ها به سازمان مالیات در ناحیه بابل، از نیمه‌ی دوم پادشاهی نبونید تا پایان پادشاهی هخامنشیان، این نکته را آشکار می‌سازد که اگیبی‌ها توانسته بودند خود را با اوضاع جدید که به دنبال گشودن بابل به دست پارسیان فراهم گردیده بود، سازگاری بخشند و حاکمان تازه نیز کاملاً توانسته بودند از امکاناتی که ساختارها و سلسله‌مراتب بابلی در برابرشان نهاده بود، بهره‌برداری نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱- به گواهی اسناد و الواح، بنگاه‌های اقتصادی دیگری نیز، در شهرهای بابل، لارسا، بوریسیا و نیپور به کارهای تجاری و بازرگانی مشغول بودند که می‌توان به خاندان‌های

نمود. نک: 2-Wunsch, 1992: 395; Abraham, 2004: 9; Nielsen, 2011: 1, 58.

۳- گویا اگیبی به همراه نور-سین (nūr-sîn) و فرد دیگری که نام او شناخته شده نیست، یک خانواده را تشکیل می‌دادند. از نور-سین، بعدها در نسل دوم، ایدین-مردوک (iddin- marduk) و در نسل سوم، نوپت-یه (nuptaya) در اسناد نام برده شده است. در خانواده سوم نیز، پس از فرد نخست گمنام، در نسل نخست، از موشلیم-ایلی (Mušalim- ilī) و در نسل دوم، شوم-اوکین (Šuma-ūkin)، و در نسل سوم، کلبجه (kalbaja) یاد شده است. نک:

4- Wunsch, 2010: 40-61.

۵- در میانه‌ی سالهای میان ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ در ویرانه‌های خانه‌های خصوصی در منطقه بابل، مردم محلی، الواحی را یافتند که در خمره‌های گلی مَهراندود شده، جا داده شده بودند. این بایگانی، گویا در اصل، شامل سه تا چهار هزار لوح می‌شده؛ اما بعدها به دلیل کار و جابجایی در هنگام کاوش، ارسال با کشتی و تجارت آنها، به شکل گریزناپذیری شمار آنها کاهش یافته است. امروزه نزدیک به ۱۷۰۰ متن سند از این بایگانی بازمانده است. نک: گرشویچ، ۴۵۴-۴۵۳؛ برای جزئیات بیشتر نک:

6- Evers, 1993: 107-117; Wunsch, 2007: 236; Idem, 1999: 392; Baker, 2001: 19; Abraham, 2004: 9-10.

۷- واژه‌ی اگیبی، کوتاه شده واژه سومری ا-گی-ب-تی-ل e.gi-ba-ti.la است که شکل کامل آن گاهی در گزارش‌ها و اسناد بایگانی به کار رفته است.

۸- با توجه به ساخت و سازهای فراوان پرستشگاه‌های بابلی توسط کوروش، پس از گشودن بابل و شهرهای میان رودان، دور از ذهن نیست که این خانواده در فراهم نمودن تدارکات و خواربار هنرمندان، صنعتگران و کارگران شرکت کرده باشند. درباره‌ی ساخت و ساز پرستشگاه‌ها توسط کوروش نک:

8- Jursa, 2007: 73-78.

- ۹- در میان رودان، سه بخش مهم در کارهای اقتصادی فعالیت داشتند؛ اقتصاد کاخ شاهی، بخش پرستشگاه و بنگاه‌های کوچک و بزرگ خصوصی. از پرستشگاه‌های مهم می‌توان به پرستشگاه نیور، اساگیلا، و از بنگاه‌های خصوصی به نور- سین، اگیبی و موراشو اشاره کرد. درباره ساختارهای اقتصادی میان رودان نک:
- 10 - Dandamayev, 1996: 197, 201-204; Van Driel, 2000: 5-23; Morris, 1986: 23-31; Leick, 2003: 92; Jursa, 2007: 83-84.
- ۱۱- «*ilku/ilku*»؛ اصطلاحی آشوری- بابلی است برای سهم/ بهره مالکانه که در بخشی از قانون حمورابی به آن پرداخته شده، گمان می‌رود از واژه *alāku* ریشه گرفته است. در واقع ایلکو به معنای بهره یا سهمی است از زمینی که شاه به زیردست وفادارش می‌بخشید و زمین، مالک و مدیریت دارایی را در بر می‌گرفت. نک:
- 12- Johns, 1904: 110; Pfeiffer, 1922: 66-68; Joannès, 1982: 38-39.
- ۱۳- ارزش هر مینا برابر با نیم کیلوگرم نقره بود. نک: Jursa, 2010: 61
- منابع**
- اومستد، ا. ت. (۱۳۷۲). **تاریخ شاهنشاهی هخامنشی**، ترجمه محمد معین، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- بریان، پیر. (۱۳۸۱). **امپراتوری هخامنشی**، ترجمه ناهید فروغان، چاپ یکم، تهران: قطره- فرزانه.
- رجبی، پرویز. (۱۳۸۳). **تاریخ ایران، ایلامی‌ها و آریایی‌ها تا پایان دوره هخامنشی**، چاپ یکم، تهران: پیام نور.
- کوک، جان مانوئل. (۱۳۸۶). **شاهنشاهی هخامنشی**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- هرودوت. (۱۳۶۸). **تواریخ**، ترجمه وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.
- گرشویچ. (۱۳۸۵). **دوره هخامنشیان**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ یکم، تهران: جامی.
- داندامایف، محمد. (۱۳۸۵). «نظام تیولداری بابل در سالهای نخست پادشاهی هخامنشی»، ترجمه مریم رضایی، **نامه انجمن**، ۶/۲.
- وردنبوخ، هلن ساینسی و دیگران. (۱۳۸۸). **مجموعه تاریخ هخامنشیان**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ یکم، تهران: توس.
- Abraham, Kathleen. (2004). “*Business and Politics under the Persian Empire: The Financial Dealings of Marduk-Nasir-Apli of the House of Egibi (521-487 B.C.E)*”.
- Baker, H. D. (2001). “*Degrees of Freedom: Slavery in Mid-First Millennium BC Babylonia*”, World Archaeology, Vol. 33, No. 1, The Archaeology of Slavery, pp. 18-26.
- Cardascia, G. (1958). “*le Fief dans la Babylonie Achaemenide*”, Recueils de société Jean Bodin, les liens de vassalité, Bruxelles.
- Dandamayev, M. (1996). “*An Age of privatization in Ancient Mesopotamia*” in Hudson, M.; Levine, Baruch A., Privatization in the Ancient Near East and Classical World, Cambridge, M.A., Harvard University.
- Dandamayev, M. A. (1992). “*Iranians in Achaemenid Babylonia*”, Mazda publisher in association with Bibliotheca Persica Costa Mesa, California and New York.
- Evers, Sheila M. (1993). “*George Smith and the Egibi Tablets*”, Iraq, Vol. 55, pp. 107-117.

- Morris, Silver. (1986). *“Economic Structures of the Ancient Near East”*, Totowa, New Jersey, Barnes & Noble Books.
- Nielsen, John. P. (2011). *“Sons and Descendants; A Social History of Kin Groups and Family Names in the Early Neo-Babylonian Period”*, Culture and History of the Ancient Near East, VOLUME 43, Leiden.
- Paulissian, Robert () *“Adoption in Ancient Assyria and Babylonia”*, Journal of Assyrian Academic Studies, P.26.
- Pfeiffer, Robert, H. (1922). *“On Babylonian-Assyrian Feudalism (ilku)”*, The American Journal of Semitic Languages and Literatures, Vol. 39, no.1, Oct.
- Pinches, Theodore G. (1889). *“Babylonian Banking-House’s”*, The Old and New Testament Student, Vol. 9, No. 1.
- Roth, Martha T. (1991). *“The Dowries of the Women of the Itti-Marduk-Balāu Family”*, Journal of the American Oriental Society, Vol. 111, No.1 (Jan. - Mar), pp. 19-37.
- Stolper, Matthew W. (1984). *“The Neo-Babylonian Text from the Persepolis Fortification”*, Journal of Near Eastern Studies, Vol. 43, No. 4, pp. 299-310.
- Stolper, M.W. (2003). *“No-one has exact information except for you: communication between Babylon and Uruk in the first Achaemenid Reigns”*, in: W. Henkelman and A. Kuhrt (Eds), *A Persian Perspective. Essays in Memory of Heleen Sancisi-Weerdenburg* (Leiden).
- Holtz, Shalom. (2009). *“Neo-Babylonian court procedure”*, LEIDEN & BOSTON.
- Francis Joannès. (1982). *“Textes Économiques de la Babylonie Récente”*, Paris, Éditions Recherche sur les Civilisations.
- Jursa, M. (2005). *“Neo-Babylonian Legal and Administrative Documents. Typology, Contents and Archives”*. Ugarit-Verlag, Münster.
- Jursa, Michael. (2007). *“The Transition of Babylonia from the Neo-Babylonian Empire to Achaemenid Rule”*, proceeding of the British Academy, 136, PP.73-94.
- Jursa, Michael. (2010). *“Aspects of the Economic History of Babylonia in the First Millennium BC, Economic geography, economic mentalities, agriculture, the use of money and the problem of economic growth”*, Ugarit-Verlag Münster.
- Jursa, Michael. (2011). *“Taxation and Service Obligations in Babylonia from Nebuchadnezzar to Darius and the Evidence for Darius’ Tax Reform”*, Herodot und das Persische Weltreich/ Herodot and Persian Empire, Edited By Robert Rollinger, Brigitte Truschnegg and Reinhold Biczler, Weisbaden, PP.430-448.
- Jursa, M. (2010). *“Business companies in Babylonia in the first millennium B.C: Structure, economics strategies and social setting”*, PP.53-68.
- Kuhrt, Amelie. (2003). *“The Ancient Near East, C. 3000- 330 BC”*, Vol. II.
- Leick, Gwendolyn. (2003). *“The Babylonians”*, An introduction by Gwendolyn Leick, Rutledge, London and New York.

- pp. 40–61. Princeton, NJ: Princeton University Press, PP.40-61.
- Wunsch, Cornelia, (2007) “*The Egibi family*”, (translated from German by Gwendolyn Leick), *The Babylonian World*, Edited by Gwendolyn Leick, Rutledge, PP.232-243.
- Wunsch, Cornelia. (1999). “*The Real Estate of the Egibi Family in the Babylon Area (6th cent. B.C.)*.” in: Michael Hudson, M.-Levine, B. (Hrsg.), *Urbanization and Land Ownership in The Ancient Near East*, Harvard University.
- Zadok, Ran. (1976). “*On the Connections between Iran and Babylonia in the Sixth Century B.C.*”, *Iran*, Vol. 14, pp. 61-78.
- Stolper, M. W. (2004). “*The Kasr Texts, the Rich Collection*”, the Bellino Copies and the Grotefend Nachlass, in: J.G. Dercksen (ed.), *Assyria and Beyond: Studies Presented to Mogens Trolle Larsen*, (Istanbul 2004).
- Van Driel, G. (2000). “*Institutional and Non-Institutional Economy in Ancient Mesopotamia*” in A.C.M.V. Bongenaar (ed.) *Interdependency of Institutions and Private Entrepreneurs*, (MOS 2), Leiden, Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut Te Istanbul.
- Van Driel, G. (2002). *Elusive Silver: in search of a role for a Market in an Agrarian Environment. Aspects of Mesopotamia’s Society*. Istanbul: Nederlands Historisch-Archaeologisch Institute.
- Waerzeggers C. (1997). *Babylonians in Susa. The travels of Babylonian businessmen to Susa reconsidered*, PP.1-37.
- Walter Johns, Rev. Claude Hermann. (1904). “*Babylonian and Assyrian Laws, Contracts and Letters*”, New York: Charles Scribner’s Sons.
- Wunsch, C. (1999). “*The Egibi Family’s Real Estate in Babylon (6th Century BC)*”, in: “*Urbanization and Land Ownership in the ancient near east*”,[....] Vol. II, Harvard University, PP.392-419.
- Wunsch, Cornelia. (2010). “*Neo-Babylonian Entrepreneurs, In the Invention of Enterprise: Entrepreneurship from Ancient Mesopotamia to Modern Times*”, edited by David S. Landes, John Mokyr, and William J. Baumol,